

بررسی هزینه‌های جرم با نگرشی اسلامی

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۵

تاریخ تأیید: ۸۸/۱۱/۲۱

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی*
سیداحسان حائری**

چکیده

بحث از هزینه‌های جرم، از جمله مباحث بسیار مهم در حوزه جرم‌شناسی و سیاست جنایی است که با رویکرد اقتصادی در صدد استخراج، تبیین و محاسبه انواع هزینه‌های جرم و به تناسب آن طراحی و تدوین اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده در مقابله با جرم است. این مقاله می‌کوشد تا با تشریح مفهوم و بیان انواع هزینه‌های جرم، برخی کاربردهای آن در حوزه سیاست جنایی را توضیح دهد و با رویکردی دینی، بخشی از هزینه‌های جرایم را که در متون اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و در نگرش مادی از آن غفلت می‌شود، تبیین کند.

واژگان کلیدی: هزینه‌ها، منافع، بزه، بزه‌دیده، بزه‌کار، سیاست جنایی.

* استادیار دانشگاه قم (dr_hajidehabadi@yahoo.com).

** پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم اقتصادی (haeri20@yahoo.com).

مقدمه

از جمله مباحث مهم در حوزه جرم‌شناسی و سیاست جنایی، مبحث هزینه‌های جرم است. امروزه اعتماد عمیق و گسترده بر این است که برآورد تأثیرهای اقتصادی و هزینه‌های جرم، یک عنصر بسیار مهم در طراحی سیاست‌ها و طراحی برنامه‌ها، مدل‌ها و به‌کارگیری تصمیم‌ها و روش‌های مناسب در مواجهه با جرم به حساب می‌آید. در عین حال، ریشه‌های بحث از هزینه‌های جرم را باید در رویکرد اقتصادی به جرم جست‌وجو کرد که با وجود آنکه در دیدگاه کسانی مانند بنتام و بکاریا به آن اشاره شده بود، از نیمه دوم قرن بیستم به وسیله اقتصاددانانی همچون بیکر و ارلیش مورد توجه جدی قرار گرفت. بیکر کوشید تا مفاهیم اقتصاد را به حوزه جرم و مجازات تعمیم دهد؛ رویکردی که از آن به «امپریالیسم اقتصادی» نیز تعبیر می‌شود و درصدد تعمیم مفاهیم اقتصادی به حوزه‌های اجتماعی دیگر است. با این وجود، آنچه امروزه در بحث از هزینه‌های جرم مطرح می‌شود، بسیار گسترده‌تر از مطالبی است که مورد توجه بیکر و ارلیش بود.

با مروری بر گزاره‌های دینی می‌توان دریافت که در متون اسلامی، هزینه‌های جرم در مقیاسی وسیع‌تر از ادبیات رایج علمی به کار رفته است؛ زیرا اساساً نگرش اسلام به انسان و حیات او متفاوت از دیدگاه‌های رقیب است. در این مقاله، پس از تبیین مفهوم و انواع هزینه‌های جرم، کاربردها و فواید آن (مبحث نخست)، هزینه‌های جرم از منظر آموزه‌های اسلامی به اختصار مورد واکاوی قرار خواهد گرفت (مبحث دوم).

۱. تبیین مفهوم و انواع هزینه‌های جرم

همانند حوزه‌های علوم انسانی دیگر، از واژه هزینه برداشت‌های گوناگونی شده، انواع گوناگونی نیز برای آن ارائه شده است.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

هزینه از جمله واژگان و اصطلاح‌های رایج در حوزه علوم اقتصادی است که برای

آن تعاریف گوناگونی ارائه شده است که به عنوان مثال می‌توان به تعاریف ذیل اشاره کرد:

- هزینه به مبالغی گفته می‌شود که برای کسب درآمد به کار گرفته می‌شود؛ مخارجی را که یک مؤسسه در جهت ارائه خدمات به مؤسسات و یا اشخاص دیگر متحمل می‌شود، هزینه می‌گویند. همچنین اگر مؤسسه‌ای به کار خرید و فروش کالا اشتغال دارد، پرداخت‌هایی را که به این منظور انجام می‌دهد، هزینه نامیده می‌شوند (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۲، ص ۸۱۱).

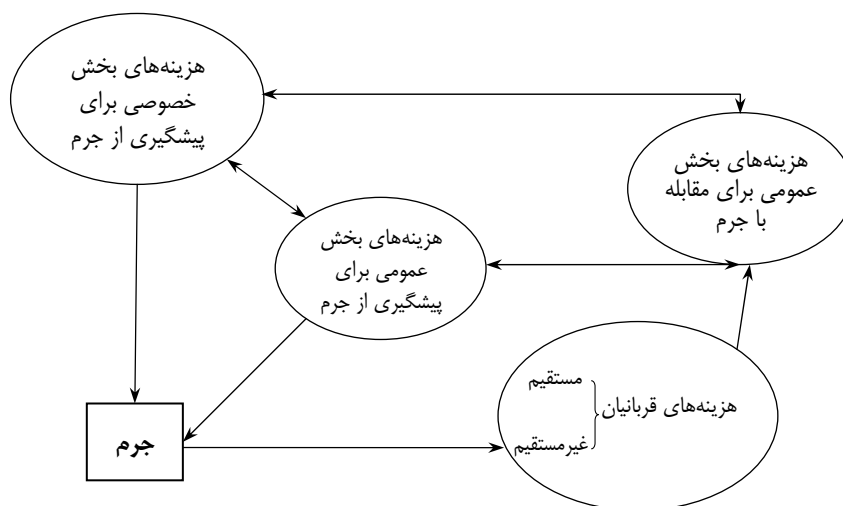
- هزینه هر کالا یا خدمت، همه فرصت‌ها و امکاناتی است که صرف تهیه و ارائه آن کالا و خدمت می‌شود.

- هزینه به طور کلی به مفهوم «از دست‌دادن چیزی برای دستیابی به چیز دیگری است که می‌تواند از راه خرید و فروش، مبادله یا تولید تحقق یابد». اقتصاددانان معمولاً مفهوم «هزینه گذشت» را در محاسبات اقتصادی به کار می‌گیرند که عبارت است از همه چیزهایی که برای به دست‌آوردن چیز دیگر باید از آن گذشت. هزینه گذشت لزوماً همواره با هزینه یا مخارج پولی که در حسابداری کاربرد دارد، یکسان نیست (همان).

بنابراین هزینه‌های جرم فقط هزینه‌هایی نیست که مجرم متحمل می‌شود تا مرتکب جرم شود، بلکه هزینه‌هایی که بر بزه‌دیده و بر جامعه وارد می‌آید را نیز شامل می‌شود. افزون بر این، هزینه‌های جرم به هزینه‌هایی گفته می‌شود که حکومت در جهت پیشگیری از جرم یا مقابله با آن می‌پردازد. بر این اساس، برخی از اقتصاددانان هزینه‌های جرم را به سه گروه کلی تقسیم کرده‌اند (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۸۷):

۱. هزینه‌هایی که قبل از بروز جرم ایجاد می‌شوند؛
۲. هزینه‌هایی که به هنگام بروز جرم ایجاد می‌شوند؛
۳. هزینه‌هایی که پس از بروز جرم به وجود می‌آیند.

این هزینه‌ها را می‌توان در فلوجارت زیر نشان داد:



۳۶

البته به نظر می‌رسد که می‌توان نگاهی دقیق‌تر به گونه‌های مختلف هزینه‌های جرم داشت؛ زیرا همچنان‌که گفته شد، هزینه جرم عبارت است از همه چیزهایی که برای تحقق جرم باید از آنها گذشت. جرم نیز به مفهوم حقوقی آن عبارت است از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته شده باشد. البته مفهوم جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی جرم، وسیع‌تر از مفهوم حقوقی آن است و شامل تخطی و تخلف از قواعد و مقررات و هنجارهای یک جامعه می‌شود که جامعه به نوعی رسمی یا غیررسمی در مقابل آن واکنش نشان می‌دهد. در واقع برخی از جرم‌شناسان، جرم را نیز بر حسب هزینه‌های آن تعریف می‌کنند؛ مثلاً/نریکوفری جامعه‌شناس ایتالیایی، جرم را هر عملی می‌داند که به حقوق افراد ضرر و زیان وارد می‌آورد (دانش، ۱۳۷۶، ص ۵۱).

بی‌شک جامعه به خاطر رفتارهای مجرمانه، متحمل صدمات و خسارت‌های روحی، روانی، حیثیتی، اقتصادی و... می‌شود که محاسبه دقیق آنها تا اندازه‌ای هزینه‌های جرم را برای ما آشکار می‌سازد.

۱-۲. انواع هزینه‌های جرم

اقتصاددانان تقسیمات گوناگونی را برای هزینه بیان کرده‌اند که درباره جرم نیز امکان انطباق دارد؛ زیرا جرم نیز نوعی کالا و فرآورده اجتماعی است که مجرم برای دستیابی به آن متحمل هزینه‌هایی می‌شود. جامعه نیز برای پیشگیری و مقابله با جرم، ناچار به اختصاص منابع مالی، مادی و انسانی خویش است. در این بخش، انواع هزینه‌های جرم را به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۱. هزینه‌های فردی و هزینه‌های اجتماعی

در علم اقتصاد، مقصود از هزینه‌های فردی یا هزینه‌های خصوصی (personal or private costs)، هزینه‌هایی است که یک فرد یا یک بنگاه و مؤسسه معین به تنهایی برای تولید یک کالا می‌پردازد. در این بخش، هزینه‌هایی که جامعه متحمل می‌شود، در نظر گرفته نمی‌شود. هزینه‌های خصوصی یا فردی شامل هزینه‌هایی می‌شود که مجرم برای ارتکاب جرم یا بزه‌دیده برای پیشگیری و یا مقابله با عوارض، صدمات و آسیب‌های جرم می‌پردازد. در نقطه مقابل، هزینه‌های اجتماعی کالاها و خدمات، هزینه‌هایی هستند که جامعه از نتیجه عملکرد بنگاه‌ها یا افراد به پرداخت آنها مکلف می‌شود؛ به عنوان مثال، کارخانه‌ای که سیمان تولید می‌کند، هزینه‌های تولید سیمان شامل دستمزد نیروی کار، قیمت مواد اولیه و... که صاحب کارخانه می‌پردازد، جزء هزینه‌های خصوصی به حساب می‌آید؛ ولی تولید سیمان، هوای تمیز محیط اطراف کارخانه را آلوده می‌سازد. پساب کارخانه نیز ممکن است ماهی‌های رودخانه اطراف کارخانه را از بین ببرد. اینها همه هزینه‌هایی است که جامعه متحمل می‌شود. به همین ترتیب، جرم، امنیت و آسایش شهروندان را سلب می‌کند و اضطراب و ناامنی را باعث می‌شود. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مورد قبول جامعه مخدوش می‌شود. اعتماد عمومی به دولت به عنوان عامل دارای قدرت نظم‌بخشی و امنیت‌آفرینی در جامعه از دست می‌رود و... اینها همه جزء هزینه‌های اجتماعی (social costs) است. مقوله هزینه اجتماعی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم اثرات بیرونی دارد. البته از جمله سیاست‌های اقتصادی این است که هزینه‌های اجتماعی را نیز به نوعی خصوصی کرده، فرد یا بنگاه

را به پرداخت آن ملزم سازد؛ مثلاً کارخانه‌دار را به اصلاح تکنولوژی خود مجبور می‌کند و یا از راه مالیات بر آلودگی، هزینه‌هایی را که - در مثال یادشده - کارخانه سیمان بر دیگران تحمیل می‌کند، به نوعی از آنها می‌گیرد. حال آیا امکان چنین امری درباره جرم وجود دارد؟

به نظر می‌رسد بخشی از آنچه در واکنش به جرایم گرفته می‌شود و مجازات‌هایی مانند جرایم نقدی که علاوه بر جبران خسارت‌های فردی به محکوم تعلق می‌گیرد، به نوعی همان خصوصی‌سازی هزینه‌های اجتماعی است که البته در مواردی جنبه اختیاری به خود می‌گیرد؛ به عنوان مثال، قتل از جمله جرایمی است که هزینه‌های اجتماعی قابل توجهی به دنبال دارد. قانونگذار ایران علاوه بر مجازاتی که برای قاتل قرار داده است - مثلاً قصاص یا دیه در مورد قتل - به دادگاه این اختیار را داده است که در فرض بخشوده‌شدن قاتل و عدم دریافت دیه، وی را به مجازات حبس محکوم سازد که این در واقع بابت خسارت‌های اجتماعی جرم قتل است.

۲-۱. هزینه‌های مالی و هزینه‌های اقتصادی

دو نوع کاملاً مجزا از هزینه‌های جرم که به وسیله اقتصاددانان تعریف شده است، عبارت‌اند از: «هزینه‌های مالی» و «هزینه‌های اقتصادی». هزینه‌های مالی (financial costs) هزینه‌هایی هستند که از نظر اقتصاددانان - در ظاهر - زینانی برای کل جامعه به دنبال ندارند، بلکه معمولاً بر بزه‌دیدگان تحمیل می‌شود و توان مالی آنها را می‌کاهد؛ خواه به طور مستقیم ضرر و خسارتی به اموال آنها وارد آورد یا باعث صرف توان مالی آنها در جبران ضررها و خسارت‌های وارده بر آنها شود. هزینه‌های اقتصادی جرم (economical costs) زمانی پدیدار می‌شود که جرم باعث شود جامعه، زمان، انرژی و منابع خود را که باید صرف اهدافی مانند تولید شود، تغییر دهد؛ مثلاً اختصاص منابع دارویی کمیاب برای درمان بزه‌دیدگان، صرف هزینه برای ترمیم کیفیت زندگی از دست‌رفته، زمان‌هایی که از بزه‌دیدگان در ادارات پلیس برای بازجویی صرف شده است، هزینه‌های مشهود بخش عمومی و خصوصی برای مقابله با جرم یا پیشگیری از آن. نکته مهم اینکه هیچ‌یک از هزینه‌های مالی و اقتصادی جرم به آسانی قابل تعریف یا اندازه‌گیری نیستند.

۳-۲-۱. هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیرمستقیم جرم

هزینه‌های مستقیم جرم (direct costs)، هزینه‌هایی هستند که بزه‌دیدگان مستقیم جرم به لحاظ جسمی یا مالی متحمل می‌شوند؛ مثلاً اموال و دارایی‌هایشان را از دست می‌دهند، به لحاظ جسمی آسیب می‌بینند و باید مبالغی را پرداخت کنند تا بتوانند وضعیت جسمی اولیه‌شان را تا اندازه‌ای بازیابند. در جرایم بدون بزه‌دیده (victimless crimes) نیز هزینه‌های مستقیم جرم قابل توجه است و نباید اینگونه پنداشت که چون این جرایم بزه‌دیده‌ای ندارد، پس دست‌کم هزینه مستقیمی هم ندارد؛ زیرا جرایم بدون بزه‌دیده به معنای جرایمی نیستند که حتماً بزه‌دیده معینی ندارند، بلکه مواردی که بزه‌دیده از شکایت خود صرف‌نظر کرده است یا با بزه‌کار در وقوع جرم مشارکت کرده است و یا در واقع شکایتی نمی‌کند را نیز دربرمی‌گیرد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۱ به بعد).

در هر حال، حتی در جرایمی که بزه‌دیده مشخصی ندارد، خسارت‌های قابل توجهی وجود دارد که متوجه عموم است و جامعه هزینه‌های زیادی برای اینگونه جرایم می‌پردازد.

برخی اقتصاددانان سه نوع هزینه مستقیم برای جرم بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: «خسارت‌های شخصی»، «خسارت‌های مالی» و «خسارت‌های ناشی از جرم تجاری». خسارت‌های شخصی در نتیجه قتل، ضرب و جرح، تجاوز به ناموس و... متوجه افراد می‌شود. طبق برآورد ری نولانز، هزینه سالانه هر خانوار در این باره، حاصل جمع هزینه‌های قتل، ضرب و جرح و... در یک سال و تقسیم آن بر تعداد خانوارهای جامعه است. خسارت‌های مالی در نتیجه جرایمی همچون ورود غیرمجاز به ساختمان و منازل به قصد دزدی (Burglary)، دستبرد (Theft)، سرقت با توسل به زور (Robbery) و سرقت وسایل نقلیه ایجاد می‌شود.

خسارت‌های ناشی از جرایم تجاری نیز شامل جرایمی همچون خسارت‌های ناشی از تقلب و کلاهبرداری‌های تجاری، رشاء و ارتشاء و سرقت از مغازه‌ها و فروشگاه‌ها می‌شود. هزینه‌های غیرمستقیم (indirect costs) هزینه‌هایی هستند که برای پیشگیری از جرم یا تعقیب مجرمان و کشف جرایم، مجازات، اصلاح و درمان مجرمان به وسیله

جامعه پرداخت می‌شود؛ بنابراین هزینه‌هایی که جامعه به عنوان پیامدهای اصلاح مجرمان متحمل می‌شود، حتی اگر هیچ‌گونه پولی برای آنها پرداخت نکند را نیز شامل می‌شود. همچنین هزینه‌هایی که به واسطه از دست رفتن نیروی کار مفید مجرم و نیز صرف نیروی لازم برای مراقبت از مجرم بر خانواده و جامعه تحمیل می‌شود نیز جزء هزینه‌های غیرمستقیم به حساب می‌آید. هزینه فرصت محکومیت که برای مجرم محاسبه می‌شود نیز از این نمونه است. فرض شود که فرد (الف) یک کارگر ساده است که در طول سال فقط دویست روز می‌تواند کار کند و روزانه هشت هزار تومان دستمزد دریافت کند؛ بنابراین او بابت بودن در زندان، هر سال حدود یک میلیون و ششصد هزار تومان از دست می‌دهد. هزینه دیگر زندان، از دست دادن آزادی است. اگر آزادی او نیز در هر سال دو میلیون تومان مطلوبیت داشته باشد، هزینه فرصت زمان محکومیت او در هر سال سه میلیون و ششصد هزار تومان خواهد بود که حاصل جمع مبلغ درآمد صرف نظر کرده در یک سال، به علاوه هزینه مطلوبیت آزادی فرد (الف) خواهد بود.

برخی پژوهشگران، موارد ذیل را از جمله هزینه‌های غیرمستقیم جرم می‌دانند که بخش خصوصی باید متحمل آنها شود:

- نقل مکان به مکان‌های امن‌تر که خود می‌تواند هزینه‌بر باشد؛
 - پرهیز از سپری کردن اوقات فراغت در خارج از منزل؛
 - افزایش تمایل به بیمه‌های خاص مانند بیمه سرقت؛
 - کاهش قیمت منازل در محل‌های جرم‌خیز؛
 - کاهش سرمایه‌گذاری به دلیل تأثیر جرم بر افزایش ریسک (خطر)؛
 - کاهش کیفیت زندگی به دلیل ایجاد رعب و وحشت (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۹).
- امروزه سعی بر این است که هزینه‌های غیرمستقیم جرم نیز شناسایی و برآورد شود، گرچه این کار دشوار است؛ مثلاً براساس گزارش وزارت کشور انگلستان، هزینه‌های ناشی از جرم در انگلستان و ولز در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ میلادی، شصت میلیارد پوند بوده است. گزارش مذکور تأکید دارد که این میزان، جدا از هزینه‌های ناشی از ترس از جنایت و یا تأثیر ترس بر کیفیت زندگی است. هزینه دزدی‌های خانگی در سال‌های ۱۹۹۷

تا ۱۹۹۸ حدود دو میلیون پوند بوده است که البته هزینه‌های پلیس و هزینه‌های غیرمستقیم دیگر در آن لحاظ نشده است (اشنایدر و تدکیچن، ۱۳۸۷، ص ۳۸). وزارت دادگستری امریکا در یک بررسی بسیار جامع، هزینه‌های جرم را ۴۵۰ میلیارد دلار در سال برآورد کرد. در عین حال، نتایج این تحقیق بسیار بحث‌انگیز بود؛ زیرا برای نخستین بار هزینه‌های سوء استفاده از کودکان، خشونت‌های خانگی، مراقبت‌های پزشکی روانی، هزینه‌های ناشی از کاهش سطح کیفیت زندگی برای قربانیان جرایم، هزینه‌های مستقیم و معمول جرایمی همچون جنایت، تجاوز و دزدی را شامل می‌شد. قابل توجه اینکه وزارت دفاع امریکا، حدود نیمی از این رقم را در هر سال هزینه می‌کند (همان). اقتصاددانی به نام دیوید آندرسون در سال ۱۹۹۹ در پژوهشی هزینه‌های ناشی از جرایم در امریکا را بیش از یک تریلیون (هزار میلیارد) دلار برآورد کرده است. آندرسون به هزینه‌های پنهان ناشی از جرایم مانند درآمدهای سوخت‌شده، تألمات فردی و هزینه‌های تجهیزات ایمنی و حفاظتی اشاره کرده است و بر این اساس، ضرورت طراحی برنامه‌های پیشگیری را خاطر نشان می‌کند (همان).

۴-۲-۱. هزینه‌های ملی و هزینه‌های بین‌المللی جرم

هزینه‌های جرم از هر نوع آن که تاکنون گفته شد، چیزی نیست که فقط به یک جامعه با حکومت و مرزهای جغرافیایی مشخص اختصاص داشته باشد؛ گرچه ممکن است با نگرش خُرد، تصور هزینه‌های فراملی تا حدی دشوار به نظر رسد؛ ولی امروزه این واقعیت پذیرفته شده است که پیامدهای شوم دست‌کم برخی از جرایم مهم مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق دارو، قاچاق انسان و جرایم سازمان‌یافته دیگر، محدود به یک کشور نمی‌شود و دقیقاً به همین دلیل است که مواجهه با این گونه جرایم، تشریک مساعی جهانی را می‌طلبد: «افزایش تعامل‌های منطقه‌ای و جهانی میان دولت‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دیگر باعث شده است آثار مخرب جرم فقط به کشور محل وقوع جرم محدود نباشد، بلکه آثار مخرب آن به کشورهای دیگر نیز تسری یابد. از این رهگذر، جامعه جهانی احساس ناامنی می‌کند و بدین جهت واکنش مؤسسه‌های بین‌المللی و به طور کلی جامعه بین‌الملل نسبت به جرایم ارتكابی رو به افزایش است؛ بر این اساس

جرایم ملی، رویکرد بین‌المللی به خود می‌گیرند و به جرایم بین‌المللی تبدیل می‌شوند» (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹). دقیقاً به همین دلیل است که هرچند ممکن است یک کشور مشخص، خاستگاه و محل وقوع جرم نباشد؛ ولی باید در امر مقابله با جرم با کشورهای دیگر همکاری کند؛ زیرا خود نیز از تبعات و آثار جرم ایمن نیست. این مسئله به ویژه در مورد جرایم اقتصادی که سطح وسیعی از جرایم بین‌المللی و فراملی را پوشش می‌دهد، حایز اهمیت است؛ چون «مجرمان اقتصادی فقط نظم ملی یک کشور خاص را هدف قرار نمی‌دهند و از راه ارتکاب جرایم اقتصادی، نظم بین‌المللی را نیز تهدید می‌کنند».

بدین ترتیب دولت‌ها به پرداخت هزینه‌های فراوان نسبت به اینگونه جرایم ملزم‌اند. امروزه در نتیجه مشارکت دولت‌ها در پروتکل‌ها و اتحادیه‌ها و نیز کنوانسیون‌های مبارزه با جرم و فساد، هزینه‌هایی بر دولت‌های عضو تحمیل می‌شود، هرچند خاستگاه و محل جولان جرم کشور دیگری باشد؛ بنابراین در محاسبه هزینه‌های جرم باید هزینه‌های بین‌المللی جرایم (international costs of crimes) نیز لحاظ شود.

۵-۲-۱. هزینه‌های مادی و هزینه‌های غیرمادی جرم

هزینه‌های مادی که آنها را می‌توان هزینه‌های ملموس و عینی (tangible costs) نیز تعبیر کرد، هزینه‌هایی هستند که به راحتی قابل مشاهده، اندازه‌گیری و تقویم مالی‌اند؛ مانند خسارت‌هایی که به یک ماشین در جریان یک واقعه مجرمانه مانند آتش‌سوزی عمدی (arson) وارد می‌شود؛ ولی بخشی از هزینه‌های جرم، هزینه‌های غیرعینی و ناملموس‌اند (intangible costs) که به راحتی قابل تقویم و ارزشیابی مالی نیستند؛ مانند اضطراب، افسردگی، از دست رفتن اوقات فراغت، از دست رفتن حیثیت و اعتبار یک فرد یا یک مؤسسه. به عنوان مثال، در جریان قتل - کشته شدن یکی از اعضای خانواده مانند پدر - گذشته از آنکه خانواده را از یک نیروی عظیم نان‌آور خانواده بی‌نصیب می‌سازد، خسارت‌های روحی و روانی جبران‌ناپذیری را بر اعضای خانواده تحمیل می‌کند و ممکن است سال‌ها خانواده را با درمان‌های روانپزشکی و مشاوره‌های روانشناختی درگیر کند. حتی اگر این نوع خسارت‌ها نیز قابل تقویم باشد، فرصت

زمانی که از اعضای خانواده گرفته می‌شود و آنها را درگیر حل این معضلات می‌سازد و بالطبع آنها را از پرداختن به فعالیت‌های مولد و مؤثر بازمی‌دارد، در واقع چندان ملموس و قابل تقویم نیستند. در هر حال، همواره محاسبه همه امور بر حسب پول به راحتی امکان‌پذیر نیست و در مواردی واقعاً میسر نیست؛ مثلاً هنگام تخریب دشتی وسیع با چشم‌اندازی زیبا و مناظر جالب - برای تأسیس یک فرودگاه - محاسبه میزان محرومیت از التذاتی که از راه چشم‌دوختن به آن دشت، نصیب انسان می‌شود، امکان‌پذیر نیست. گرچه اقتصاددانان در مواردی راه‌هایی برای اندازه‌گیری چنین ارزش‌هایی ارائه داده‌اند (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۱). درباره جرم نیز برآورد ارزش ریالی همه هزینه‌های غیرمادی امکان‌پذیر نیست.

تحقیقات اخیر در کانادا، هزینه‌های ناشی از جرایم را حدود ۴۶ میلیارد دلار کانادا در سال برآورد کرده است که شامل هزینه‌های درمان جسمی و روانی نیز می‌شود. در استرالیا تحقیقات اخیر نشان داده است که سهم هر خانوار حدود ۲۸۰۰ دلار استرالیا است که این میزان بیش از ۴ درصد از تولید ناخالص ملی است (اشنایدر و تدکیچن، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

۲. فواید و کاربردهای ارزیابی هزینه‌های جرم

بررسی و ارزیابی دقیق و همه‌جانبه هزینه‌های جرم، فواید و کاربردهای مهمی دارد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۲-۱. سیاستگذاری و تعیین تدابیر مناسب مواجهه با جرم

امروزه دانش سیاست جنایی که از جمله شاخه‌های علوم جنایی (criminal sciences) است، عهده‌دار سیاستگذاری مواجهه مؤثر با جرم است؛ سیاست جنایی برخلاف تصور فوئر باخ آلمانی فقط به تدابیر و اقدامات کیفری - یعنی آنچه امروزه از آن با عنوان «سیاست کیفری» یاد می‌شود - محدود نیست، بلکه همه پاسخ‌های پیشینی و پسینی به جرم و انحراف را شامل می‌شود؛ از این رو سیاست‌های پیشگیرانه مواجهه با جرم و

انحراف نیز در حوزه سیاست جنایی قرار دارد (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۴-۱۷).

سیاست جنایی نیز خود در قالب سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی جلوه‌گر می‌شود که به صورت حکومتی و مشارکتی تحقق می‌یابد. اینکه در مواجهه با یک جرم، چه نوع سیاست - پیشگیرانه یا کیفری - به کار گرفته شود و در هر یک از دو صورت، چه نوع اقدامات و تدابیری مناسب‌تر است، دقیقاً به ارزیابی ما از هزینه‌های جرم وابسته است. همان‌گونه که از منظر برخی جرم‌شناسان، جرم یک انتخاب عقلانی است که در آن مجرمان بالقوه منافع مورد انتظار از ارتکاب جرم را با ضررهای مورد انتظار ناشی از مجازات‌شدن و یا به خطراتادن می‌سنجند (ورنر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱)، در واقع به لحاظ برآورد دقیق هزینه‌های جرم است که امروزه از جرم‌زدایی (decriminalization)، حبس‌زدایی یا قضازدایی برخی جرایم سخن به میان می‌آید. گاهی برآورد هزینه‌های جرم، به ویژه آنچه دولت باید در امر مواجهه با جرم از راه سیستم پلیسی و قضایی بپردازد، آن اندازه زیاد است که تحمل یک جرم در جامعه و حداقل قضازدایی از آن درست‌تر است. قانون جرم‌زدایی اروپا با بیان انواع گوناگون جرم‌زدایی، در توجیه برخی از انواع جرم‌زدایی‌ها آورده است: «در برخی از موارد، اینگونه جرم‌زدایی از این باور قانونگذار ناشی می‌شود که "هزینه‌های" اجتماعی جرم‌انگاری بیشتر از فایده آن است و هیچ روش جانشین عملی‌ای در زمینه رویارویی با رفتار یا وضعیت نامطلوب در دسترس نیست؛ از این رو راهکار عدم اقدام، برگزیده می‌شود» (گروهی از نویسندگان شورای اروپا، ۱۳۸۴، ص ۱۳). در امریکا هزینه‌های جرم برای بزه‌دیدگان تقریباً دو‌سیست میلیون دلار در سال برآورد شده است. سرمایه‌گذاری‌های حکومت برای نظام عدالت کیفری در سال ۱۹۹۰، هفتاد و چهار میلیون دلار بوده است (Livitt, 1997, P. 270-290).

در واقع در مبارزه با جرم، به دلیل عدم برآورد دقیق هزینه‌ها و نیز عدم اولویت‌بندی در سیاست‌ها و راهکارها، بسیاری از منابع کشور به هدر می‌رود، به گونه‌ای که طبق برخی تحقیقات بین‌المللی، از ۴ تا ۷ درصد تولید ناخالص ملی معمولاً در راه جرم به هدر می‌رود یا برای ممانعت و سرکوب آن خرج می‌شود. حتی برخی حکومت‌های جهان سوم، ۱۰ تا ۲۰ درصد از بودجه ملی سالانه خود را به کنترل جرم اختصاص

می‌دهند. از این میان، تلف شدن منابعی که شدیداً برای توسعه مورد نیاز است، بسیار قابل توجه است (گومز بواندیا، ۱۳۸۰، ص ۱۸)؛ بنابراین نمی‌توان بدون توجه به واقعیت‌های آماری و هزینه‌ای نسبت به به‌کارگیری سیاست‌ها و تدابیر کنشی و واکنشی نسبت به جرم اقدام کرد. حتی استفاده از نیروی پلیس (پیشگیری پلیسی یا انتظامی) نیز نیازمند برآورد هزینه‌های خاص آن است. برخی از اقتصاددانان - از جمله لوی - در سال‌های اخیر درصدد بررسی تأثیر حضور پلیس بر کاهش نرخ جرم بوده‌اند. وی با استفاده از مجموعه داده‌های آماری شهرهای بزرگ آمریکا در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲، دریافت که حضور پلیس، تعداد ۶ دسته از ۷ دسته جرایم مورد بررسی را کاهش می‌دهد و افزودن یک افسر به یک واحد پلیس، ۸ تا ۱۰ جرم شدید را برطرف می‌سازد. او توانست با تخمین هزینه‌های جرم، استنباط کند که منافع اجتماعی کاهش جرم حدود یکصد هزار دلار برای هر افسر در سال است. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که به‌کارگیری یک سیاست و راهبرد در پیشگیری کنشی یا واکنشی در مقابل جرایم، نیازمند برآورد - دست‌کم تخمینی - هزینه‌های جرم است. طبعاً بخشی از این هزینه‌ها، هزینه‌هایی است که هر سیاست و برنامه پیشگیری بر دوش جامعه می‌گذارد. به عبارت دیگر، اگر هزینه‌های جرم را در دو معنای موسع و مضیق به کار بریم، هزینه‌های موسع جرم شامل همه هزینه‌های مرتبط با جرم و از جمله هزینه کیفرها، دستگاه عدالت کیفری و هزینه‌های پلیسی می‌شود؛ ولی در معنای خاص، هزینه‌های جرم فقط ضرر و زیان‌های مستقیم و غیرمستقیم جرم - و نه آنچه در مواجهه با آن اعم از مواجهه پیشینی (پیشگیری غیرکیفری) یا پسینی (پیشگیری کیفری) - را شامل می‌شود. در واقع در انتخاب و به‌کارگیری تدابیر پیشگیرانه، محاسبه هزینه‌های این تدابیر و سیاست‌ها و مقایسه آن با هزینه‌های جرم (به معنای اخص)، مد نظر قرار می‌گیرد؛ از این رو، از یک سیاست و برنامه، چه بسا دلیل هزینه‌های بالای آن (در مقایسه با هزینه‌های خاص جرم) اعراض می‌شود؛ مثلاً از جمله ایرادات قوانین سه ضربه‌ای این‌گونه ذکر شده است که این قوانین هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری را به شکل عمده‌ای افزایش می‌دهد، چون گذشته از آنکه افراد بیشتری را زندانی می‌کند، نیازمند قضاوت، ساختمان‌ها و زندان‌های بیشتری است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳).

موارد مذکور علاوه بر هزینه‌های بسیار زیاد انسانی این‌گونه تدابیر است؛ زیرا به شدت انسانیت‌زدایی می‌کند و آدمی را از سرمایه‌های انسانی خویش محروم می‌سازد. به‌کارگیری سیاست‌ها و تدابیر مؤثر در مواجهه با جرم، با استفاده از مدل اقتصادی تحلیل هزینه - فایده از آن روست که با بررسی هزینه‌های جرم، در واقع علل و عوامل افزایش نرخ جرایم در جامعه نیز مشخص می‌شود. چنان‌که برخی از پژوهشگران با استفاده از این مدل در جامعه کنونی ما، از جمله علل مهم افزایش نرخ جرم را پایین‌بودن هزینه فرصت انجام جرم - به ویژه برای جامعه جوان کشور ما - می‌دانند و به همین دلیل، افزایش رشد اقتصادی و اقدامات مؤثر برای کاهش نرخ بیکاری، از جمله سیاست‌های پیشگیری از جرم به حساب می‌آید (حسینی‌نژاد و اقتصادیان، ۱۳۸۳، ص ۸۵). به باور برخی اقتصاددانان، علت اینکه بیشتر افراد کم‌درآمد، به جرم تمایل دارند، این است که کم‌بودن درآمد باعث می‌شود هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای آنها افزایش یابد. همچنین برای اینگونه افراد، هزینه محتمل ناشی از دستگیری، نسبتاً کم است؛ چون برای افراد کم‌درآمد یا فقیر، درآمد قابل توجهی برای دوران زندگی خود در زمان اشتغال به کارهای قانونی متصور نیست و هزینه فرصت زمان اختصاص‌یافته به جرم و جنایت و یا صرف مدت زمانی از زندگی در زندان، چندان زیاد و قابل توجه نیست (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

۲-۲. تبیین هزینه‌های جرم، عاملی در جذب مشارکت اجتماعی در مواجهه مؤثر با جرم

از جمله ابعاد مهم سیاست جنایی، مشارکت یکایک آحاد جامعه در مواجهه مؤثر و منطقی با جرم است که امروزه با عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» از آن تعبیر می‌شود. مشارکت آحاد جامعه نه‌تنها در گزارش برخی جرایم، همکاری با پلیس در کشف جرم، تعقیب مجرمان و نیز حسب مورد همکاری در اجرای مجازات‌هاست، بلکه در واقع پیش از جرم، در پیشگیری از جرم و نیز هنگام وقوع جرم، در کاهش میزان خسارت‌ها و صدمات حاصل از وقوع جرم است؛ ولی این موضوع در عمل چندان کار آسانی نیست، چون شهروندان چندان اقبالی به این مسئله از خود نشان نمی‌دهند. به نظر

می‌رسد از جمله علل عدم تمایل شهروندان به مشارکت در مواجهه مؤثر با جرم، در کنار عللی همچون مشخص نبودن کم و کیف مشارکت آنها، عدم تضمینات لازم، عدم کفایت این تضمینات و عدم آگاهی شهروندان از هزینه‌های واقعی جرم باشد. وقتی آحاد اجتماع با هزینه‌های فردی و اجتماعی، محسوس و غیرمحسوس، مستقیم و غیرمستقیم و... جرم آشنا شوند و سنگینی این هزینه‌ها را نسبت به خود بیابند، در قبال این پدیده شوم بیشتر احساس مسئولیت خواهند کرد. این مسئله زمینه‌ساز مشارکت آنها در برنامه‌های سالم‌سازی جامعه خواهد بود. مشارکت اجتماعی در مواجهه مؤثر با جرم، فقط به قبل یا حین وقوع پدیده مجرمانه محدود نمی‌شود، بلکه پس از وقوع جرم و صدور حکم محکومیت و حتی اجرای مجازات نیز جامعه باید بکوشد تا هزینه‌های جرم را کاهش دهد، در غیر این صورت خود ناچار خواهد بود هزینه‌های سنگین‌تری بپردازد؛ مثلاً تدابیر بعد از خروج از زندان، بدون مشارکت اجتماع، عقیم خواهد ماند و بدین ترتیب زمینه‌های تکرار جرم و بازگشت به زندان را رقم خواهد زد؛ زیرا برخی مجازات‌ها مانند زندان، معمولاً فرد را از بدنه جامعه جدا می‌کند. این گسستگی که می‌توان از آن به گسستگی ثانوی تعبیر کرد - همراه با گسستگی اولی که خود عامل ارتکاب جرم نخستین بوده است - اگر ترمیم‌ناشده باقی بماند، خود از جمله عوامل مؤثر بر جرایم بعدی فرد خواهد بود. تحقیقات حاکی از این است که درصد قابل توجهی از زندانیان، پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم می‌شوند. جرم‌شناسان از جمله علل این امر را گسستگی از جامعه در مدت زمان محکومیت و به ویژه در مدت زمان پس از آزادی از زندان می‌دانند؛ زیرا مجرم پس از تحمل محکومیت و آزادی از زندان، تازه تن به یک مجازات نامعین اجتماعی غیررسمی می‌دهد. جامعه همچنان او را به چشم یک مجرم و زندانی می‌نگرد. این گسست دوم او را به شدت از ارتباطات اجتماعی مؤثر و مفید محروم می‌سازد؛ ارتباطاتی که مجرم می‌توانست از آن راه، نیازهای خویش را برآورده سازد؛ بنابراین همه راه‌های ارتباط با جامعه و تأمین نیازهای مشروع وی به روی او بسته می‌شود و از این رو مجبور خواهد شد تن به راه‌ها و روش‌های نامشروع دهد؛ پس نتیجه می‌گیریم که جامعه هزینه بیشتری را پرداخت خواهد کرد. امروزه در قالب تدابیری همچون مجازات‌های اجتماعی و برخی برنامه‌های

فرهنگی، زمینه‌های مشارکت مؤثر جامعه در مواجهه منطقی با جرم و کاستن از عوارضی این‌گونه فراهم شده است. این مسئله هنگامی محقق خواهد شد که جامعه حقیقتاً به همه ابعاد هزینه‌های جرم آگاهی یابد.

۲-۳. تبیین هزینه‌های جرم، راهی برای بازداشتن افراد از ارتکاب جرم

پیش‌تر گفته شد که بحث از هزینه‌های جرم، متأثر از الگوی انتخاب عقلانی است که بکر (Gary S. Becker) از آن به عنوان الگوی انتخاب اقتصادی در تحلیل جرم استفاده می‌کند. بکر جرم - به استثنای جرایم جنسی - را فعالیتی اقتصادی با شرکت‌کنندگانی عاقل می‌داند که فقط در صورتی اقدام به فعالیت مجرمانه می‌کنند که مطلوبیت انتظاری آنها بیشتر از مطلوبیت ناشی از فعالیت غیرمجرمانه باشد. در واقع چون ارزیابی اینگونه افراد از منافع و هزینه‌ها متفاوت از افراد دیگر اجتماع است، مرتکب جرم می‌شوند. از این منظر، مجموعه قوانین جزایی به ضمیمه رویه نظام عدالت کیفری نوعی لیست قیمت برای جرایم گوناگون فراهم می‌آورد (ورنر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱). در طرح بکر تعداد جرایم ارتکاب‌یافته از سوی یک فرد به احتمال محکومیت او، شدت مجازات‌های مورد انتظار برای رفتار وی، استعداد بالقوه او برای کسب درآمد قانونی و محیط و سلیقه‌های وی بستگی دارد که در معادله زیر می‌توان آنها را نشان داد:

$$O_j = O_j(P_j, F_j, U_j)$$

در این معادله O_j نشان‌دهنده تعداد جرایم ارتکاب‌یافته به وسیله فرد در یک دوره مشخص، P_j احتمال محکومیت در هر جرم، F_j مجازات مورد انتظار برای هر جرم و U_j یک متغیر ترکیبی مبنی بر آثار دیگر است. افزایش P_j یا F_j باعث کاهش مطلوبیت انتظاری از هر جرم می‌شود:

$$\frac{do_j}{dp_j} < 0, \quad \frac{do_j}{df_j} < 0.$$

به عبارت دیگر، افزایش احتمال محکومیت یا شدت مجازات، انگیزه عدم ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد (همان، ص ۱۵۱-۱۵۲). از نظر بکر همه جرایم یک جامعه، مجموعه جرایم ارتکاب‌یافته به وسیله همه افراد یعنی همه O_j هاست؛ اگرچه متغیرهای

Pj, Fj و Uj برای هر فرد (j) تفاوت دارند؛ زیرا افراد در استعداد، آموزش، ثروت و تربیت خانوادگی تفاوت دارند؛ ولی فرضیه بکر این است که همه جرایم جامعه را می‌توان بر حسب معادله زیر نمایش داد:

$$O = O(P.F.U)$$

در این معادله P, F و U بیانگر ارزش متوسط این متغیرها برای همه افراد جامعه است (همان، ص ۱۵۳).

حال می‌توان مدل بکر را درباره انتخاب عقلانی جرم، توسعه داد تا دیگر متغیرهای مهم و مؤثر بر هزینه‌ها و منافع فعالیت مجرمانه نسبت به فعالیت قانونی جایگزین را شامل شود. از جمله متغیری که باید در چهارچوب انتخاب عقلانی در نظر گرفت، احتمال دستگیری فرد بر فرض ارتکاب جرم است؛ بدین معنا که صرف‌نظر از امکان محکومیت آینده، دلهره و اضطراب و تشویش خاطر مجرم در ارتکاب جرم که گاهی ممکن است به خاطر گشتی‌های پلیس و احتمال زیاد دستگیری باشد (متغیری مانند a)، احتمال ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد؛ یعنی $O = o(a, p, f, u)$ (همان).

بنابراین می‌توان دریافت که تقویت بینش فرد نسبت به حتمیت پاسخگویی او در آخرت و عذاب اخروی، به دلیل گناهان و جرایم او تا چه اندازه می‌تواند بازدارنده او از ارتکاب جرم باشد. بدین ترتیب بر حسب مدل بکر که در واقع یک مدل عقلانی است، پرهزینه‌ترساختن افعال مجرمانه، از جمله راهبردهای بازدارنده از جرم است (همان، ص ۱۵۶). همچنان‌که می‌توان استدلال کرد که از دیدگاه نویسندگان این مقاله، حتی درباره جرایم جنسی نیز چنین الگویی صادق است و استثناکردن جرایم جنسی وجهی ندارد. درست است که ارضای شهوات و لذت‌طلبی از جمله عوامل روانی مؤثر در ارتکاب اینگونه جرایم است؛ ولی این امر نیز قابل تقویم و ارزیابی تخمینی است. همچنین، همان‌گونه که افزایش هزینه‌های جرم عامل بازدارنده از جرم است، تبیین هزینه‌های جرم برای مجرمان، به ویژه هزینه‌های غیرمادی، نامحسوس و غیرمستقیم، از جمله عوامل بازدارنده از ارتکاب جرایم است؛ زیرا این موضوع می‌تواند مجرمان بالقوه را نسبت به کم یا بی‌فایده و بلکه مضر بودن رفتارهای مجرمانه متقاعد سازد و با تغییر نگرش و بینش آنها نسبت پیامدهای جرم، نوعی انزجار درونی نسبت به ارتکاب

جرم در آنها فراهم آورد. روشن است که کنترل‌های درونی به مراتب بیش از کنترل‌های بیرونی می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم کارایی داشته باشد. تجربیات گذشته و حال بشر و نیز نظریه‌پردازی‌های گسترده و به ویژه نوین در حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی درباره علل و عوامل جرم، حکایت از موفقیت راهکارهای مبتنی بر ایده کنترل درونی دارد. البته همچنان‌که در بخش بعد خواهد آمد، از آنجا که سیاست‌های جنایی معاصر، از ارزش‌های حقیقی دینی خالی یا حداقل کم‌بهره است و ارتباط میان افعال انسان در این دنیا با تکامل او و نیز با نحوه زندگی او در جهان آخرت، برای افراد ترسیم و تصویر نمی‌شود، از تبیین هزینه‌های واقعی جرم برای مجرمان عاجز است و طبیعی است در محدوده هزینه‌های مادی این جهانی، چه بسا افرادی ارتکاب جرم را سودمندتر از عدم ارتکاب آن ببینند.

۳. هزینه‌های جرم در نگرش اسلامی

فهم دیدگاه اسلام درباره هزینه‌های جرم نیازمند فهم نگرش اسلام به اموری از جمله: مقام و منزلت انسان، دنیا و آخرت، عواقب و پیامدهای عمل آدمی و... است. روشن است که تبیین دقیق و همه‌جانبه این امور از حوصله این بحث خارج است. با وجود این، اشاره به رئوس دیدگاه اسلام در ارتباط با امور یادشده، به ویژه از منظر بحث حاضر مفید می‌نماید. شایان ذکر است که جرم از دیدگاه اسلامی، عملی مغایر با تکالیف دینی است که شارع مقدس، مجازات‌هایی را برای آن وضع کرده است یا امکان وضع مجازات را برای آن عمل با رعایت همه اصول جرم‌انگاری از منظر اسلامی داده است و حاکم اسلامی را مأمور اجرای آن دانسته است؛ از این رو، جرم با گناه همپوشانی تام ندارد، چون برخی از گناهان، گذشته از آنکه مجازات دنیوی معینی در شریعت ندارند، امکان وضع مجازات برای آنها منتفی است. از آن جمله است گناهانی که از آنها به گناهان قلبی تعبیر می‌شود.

در هر حال، اثراتی که در متون اسلامی اعم از قرآن و روایات برای گناهان ذکر شده است، برای جرایم - به مفهومی که گذشت - نیز قطعاً قابل انطباق است و به همین دلیل می‌توان از گزاره‌هایی که درباره تأثیر گناه بر مقام و منزلت آدمی، وضعیت انسان

گنهکار در آخرت و پیامدهای دیگر دنیوی و اخروی، معنوی و مادی گناه و... بحث کرده‌اند، در بحث حاضر نیز استفاده کرد.

۳-۱. جرم و تأثیرهای آن بر مقام و منزلت انسان

از دیدگاه اسلامی، انسان برترین آفریده خداوند سبحان است. او مسجود فرشتگان «فسجد الملائكة كلهم اجمعون» (حجر: ۳۰) است که توان تسخیر همه آنچه در آسمان‌ها و زمین هست را دارد: «سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض» (لقمان: ۲۰)؛ بنابراین برخوردار از سرمایه‌ای بس گرانسنگ و ارزشمند است که با بهره‌وری درست از آن می‌تواند به اوج کمال برسد. البته همچون هر سرمایه دیگر، این سرمایه نیز در معرض تلف شدن و از دست رفتن قرار دارد؛ همچنان‌که می‌تواند فزونی یابد، تا چگونه از آن محافظت شود و چگونه مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. به عبارت دیگر، سرمایه اولی آدمی که کرامت طبیعی او را رقم می‌زند، دستمایه‌ای برای کرامت اکتسابی اوست؛ گرچه هر دو کرامت، موهبت خداوندی به آدمی است، اما اولی با خلقت انسان و دومی با اعمال صالحی که انجام می‌دهد به او عطا می‌شود. البته اگر او از این سرمایه بهره نگیرد و رفتارهای ناشایست انجام دهد، این سرمایه از دست او می‌رود و کرامت طبیعی او نیز تا حدی در معرض تلف شدن و آسیب دیدن قرار می‌گیرد و بدین سان آدمی در معرض خسران قرار می‌گیرد؛ همچنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم و در سوره عصر فرموده است: «والعصر ان الانسان لفى خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات». در قرآن کریم، خسران گاه به خود آدمی و گاه به عمل او نسبت داده شده است و از آنجا که عمل آدمی نیز جزئی از شخصیت او و تجلی آن است، بازگشت خسران در عمل نیز به خسران شخصیت آدمی است. در هر حال، خسران به معنای آسیب دیدن سرمایه وجودی انسان است. برای فهم دقیق این معنا می‌توان کسانی را که مرتکب رفتارهای زشت می‌شوند، به یخ‌فروشان تشبیه کرد که در هوای بسیار داغ، بدون آنکه مشتری داشته باشند، بساط یخ‌فروشی راه می‌اندازند و بعد از مدتی با آب شدن همه یخ‌هایشان، نه تنها سودی به دست نمی‌آورند، بلکه سرمایه خویش را نیز از دست می‌دهند.

گوهر وجودی انسان به اندازه‌ای ارزشمند است که نباید آن را به متاعی پست بفروشد. قیمت وجودی انسان، متاع و کالایی مادی نیست، بلکه جنت الهی است و قیمت همه دنیا با آن برابری نمی‌کند؛ گرچه برای جسم و تن آدمی - و نه نفس او - مقدار دیه خاصی مقرر شده است، ولی ارزش گوهر وجودی انسان چیز دیگری است. بدین ترتیب در گزاره‌های اسلامی توصیه شده است که مراقب باشید این سرمایه وجودی را ارزان از کف ندهید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انه لیس لانفسکم ثمن الا الجنة فلا تبیعوها الا بها؛ برای وجود شما بها و قیمتی جز بهشت نیست، مبادا آن را به کمتر از بهشت بفروشید» (نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۷۴).

دقیقاً طبق این نگرش به انسان است که در واقع با ارتکاب جرم، مجرم خود نخستین زیان‌دیده از جرم است و بخشی از هزینه‌های جرم، خسارت و زبانی است که انسان به دست خویش متوجه خود می‌سازد و سرمایه وجود خویش را می‌سوزاند و از میان می‌برد؛ سرمایه‌ای که با آن می‌توانست سود سرشاری را کسب کند.

شایان ذکر است بهره‌گیری متون اسلامی از واژگان اقتصادی و سخن‌گفتن آنها با انسان به زبان اقتصادی است. شاید این موضوع بیشتر به این دلیل است که مخاطب متون اسلامی، انسانی است با روحیه، نگرش و تفکر اقتصادی که به طور دائم به دنبال کسب منافع است و از این رو، متون اسلامی نیز می‌کوشند همه رفتارهای انسان و از جمله جرم را در قالب‌های سود و زیان اقتصادی تفسیر کنند. البته تفسیر اسلام از سود و زیان، هزینه، فایده، تأثیر اعمال و تعاملات انسانی در این میان، متفاوت از نگرش‌هایی است که فارغ از نگاه دین به ارزش انسان و رفتارهای او می‌نگرند؛ زیرا در این نگرش‌ها گرچه ممکن است بر کرامت انسان تأکید شود، ولی در واقع معنای کرامت انسانی را به خوبی فهم و تبیین نکرده‌اند؛ چون برخی لوازم که برای پذیرش کرامت انسانی ذکر کرده‌اند، خود آسیب‌ساز به کرامت و ارجمندی آدمی است.

در هر حال، هزینه‌هایی که آدم با جرایم خود بابت آسیب به کرامت خویش می‌پردازد، از جمله هزینه‌های نامحسوس و غیرمادی ولی مستقیمی است که فقط با نگرش درست و دقیق به انسان و توجه به موقعیت و جایگاه او قابل فهم است. برآورد این خسارت‌ها و هزینه‌ها امری بسیار دشوار است؛ ولی در هر حال، رقم و عددی که

برای آن باید در نظر گرفت بسیار بزرگ است. توجه به این نکته لازم است که این هزینه‌ها غیر از هزینه‌های غیرمادی دیگری همچون هزینه از دست‌دادن فرصت‌ها برای رشد و کمال است که برای جرم وجود دارد که توضیح آن خواهد آمد. البته تأثیر جرایم و گناهان بر سرمایه وجودی انسان برحسب شدت و ضعف گناه و جرم و میزان جرایم فرق می‌کند. به عبارت دیگر، در برآورد سرمایه‌سوزی آدمی باید کمیت و کیفیت جرایم را در نظر داشت. امام موسی بن جعفر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «پدرم امام صادق علیه السلام همواره می‌فرمود: "ما من شی افسد للقلب من خطیئة، ان القلب لیواقع الخطیئة فما تزال حتی تغلب علیه فیصیر اعلاه اسفله"؛ یعنی هیچ چیز بیشتر از گناه، قلب را تباہ نمی‌کند. قلب با گناه مواجه می‌شود و بر آن اصرار می‌ورزد تا سرانجام گناه بر قلب چیره می‌شود و آن را زیرورو می‌سازد (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۶۸). تکرار گناه باعث مسخ انسان و تبدیل او از حالت انسانیت به حالت درنده‌خویی و حیوان‌صفتی و از این رو باعث گناهان بزرگ‌تر می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۰).

۲-۳. دنیا و آخرت و هزینه‌های مضاعف جرم

در نگرش اسلامی، زندگی انسان با مرگ پایان نمی‌پذیرد، بلکه زندگی دیگری برای انسان تعبیه شده است که پایدار و همیشگی است. نکته مهم، ارتباط زندگی دنیوی و اخروی است که رفتارهای انسان را دارای پیامدی دوجانبه و مضاعف می‌سازد. از دیدگاه اسلامی دنیا مزرعه آخرت است و آدم کشاورزی است که با رفتار و عمل خویش در حال زرع و کشت است و هرچند در این دنیا از سرسبزی کار خویش - در صورتی که رفتارهای نیک داشته باشد - بهره می‌برد؛ ولی محصول حقیقی کشت خویش را در آن جهان درو می‌کند.

متون اسلامی ابعاد گوناگونی از پیامدهای رفتاری انسان - به جز آنچه گفته شد - را آشکار ساخته است که حکایت از نگرش عمیق و در عین حال متفاوت اسلام - در مقایسه با نگرش‌های غیرالهی - به عمل انسان دارد؛ ابعادی که چه بسا مورد توجه بسیاری از انسان‌های تیزبین و دقیق نیز قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً متون اسلامی، ارتکاب جرم را از جمله دلایل محرومیت انسان از برخی تفضلات و مواهب الهی

مؤثر در تکامل انسان می‌داند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همانا بنده گناهی می‌کند و به سبب آن از نماز شب محروم می‌شود»؛ «سرعت تأثیر کار زشت در آدمی از سرعت تأثیر چاقو در گوشت بیشتر است» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۷۲ / ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۶۶۳۲). دقت در کلام امام صادق علیه السلام ما را به این نکته رهنمون می‌شود که رفتار انسان بر شخصیت او - یعنی استعدادها و توانایی‌های وجودی، تمایلات و گرایش‌های او - مؤثر واقع می‌شود. گناه باعث بی‌علاقگی آدمی به نماز شب می‌شود و تأثیر عمل بر شخصیت انسان، طبق فرموده امام علیه السلام سریع و عمیق است؛ هرچند ممکن است خود فرد نداند که این امر به چه دلیل است. در هر حال، از دست‌رفتن فرصت انجام اعمال نیک در اثر ارتکاب جرم، خود هزینه‌ای جداگانه است که باید مورد توجه قرار گیرد.

از پیامدهای دیگر رفتار مجرمانه، از میان‌رفتن نعمت‌ها و از جمله از میان‌رفتن طراوت و شادابی زندگی فردی و اجتماعی است که خود از زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل آدمی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ نعمتی و هیچ خرمی از زندگی انسان زایل نشد، مگر به سبب گناهی که مرتکب شده است؛ زیرا خداوند به بندگان ستم نمی‌کند» (ابن بابویه، ۱۳۸۴، ج ۱۰، ص ۶۲۴). در اینجا زوال خرمی و شادکامی از زندگی بشر و حاکم‌شدن اضطراب‌ها و دل‌نگرانی‌ها بر روح و روان آدمیان، نتیجه جرم و گناه دانسته شده است. این مسئله ممکن است به عنوان یک مجازات طبیعی از سوی خداوند برای عمل مجرمانه انسان لحاظ شده باشد و ممکن است نتیجه و پیامد طبیعی رفتار آدمی باشد. در هر صورت، از جمله هزینه‌های گزافی که انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود می‌پردازد، هزینه‌هایی است که در جهت بازگشت صلح، صفا و صمیمیت به زندگی اجتماعی و رفع تنش‌ها و اضطراب‌های فردی می‌پردازد. روشن است در جامعه مشحون از ترس، دودلی، بدگمانی، حزن و غم و اندوه حاصل از جرایم، بشر فرصت‌های بسیاری را برای رسیدن به تکامل و ترقی از دست می‌دهد. همچنین تأثیر جرم، به آسیب‌دیدگی روحی افراد جامعه بشری محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد مادی را نیز فرا می‌گیرد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ظهر الفساد فی البرِّ والبحر بما کسبت ایدی الناس؛ به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد»

(روم: ۴۱). بدین ترتیب، خشکسالی‌ها، تلفات و ویرانی‌های حاصل از زلزله، سیل، طوفان، ابتلا به بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و... حاصل رفتارهای مجرمانه انسان است. امام باقر^{علیه السلام} می‌فرماید: «هیچ سالی کم‌بارش‌تر از سال دیگر نیست، بلکه خداوند باران را هر جا که بخواهد، می‌باراند، (اما) هرگاه مردمی مرتکب گناهان شوند، خدای عزوجل بارانی را که برای آنان مقدر کرده، ممکن است از ایشان بازدارد» (مجلسی، ۱۳۵۲، ج ۷۳، ص ۳۲۹).

حال می‌توان دریافت که هزینه‌هایی که جامعه بشری برای اینگونه امور می‌پردازد را نیز باید جزء هزینه‌های غیرمستقیم جرم در نظر گرفت. قابل توجه اینکه در روایات اسلامی به نکته مهم و شگفت‌انگیزی توجه داده شده است و آن پدیدارشدن جرایم جدید و به تبع آن رفتاری‌ها و مشکلات جدید است که شناسایی و مقابله با آن - در صورت توان برای مقابله - هزینه و زمان بسیار زیادی می‌طلبد. امام رضا^{علیه السلام} می‌فرماید: «هرگاه بندگان مرتکب گناهانی شوند که قبلاً انجام نمی‌داده‌اند، خداوند بلاهایی را برایشان پدید می‌آورد که سابقه نداشته است» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۷۵).

نکته مهم دیگر که از متون اسلامی درباره پیامدهای عمل انسان قابل استفاده است اینکه این پیامدها فقط دامن‌گیر فرد مجرم و بزه‌دیده نمی‌شود، بلکه عاید همه جامعه انسانی و حتی نسل‌های دیگری که هنوز پا به عرصه حیات نگذاشته‌اند نیز می‌شود. پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} می‌فرماید: «گناه برای غیرگناهکار نیز شوم است. اگر با گناهکار مخالفت کند، گرفتار شود. اگر از او غیبت کند، گناهکار شود و اگر به گناه رضایت دهد، در آن شریک گردد» (ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۶۶۴۴)؛ بنابراین جامعه در هر حال پیامدهای عمل مجرمانه مجرم را باید بپردازد؛ اگر سکوت کند و به جرم رضایت دهد، در واقع نقش تسهیل‌کننده جرم را ایفا کرده است و جامعه نیز در آن رفتار شریک است و اگر به اعتراض روی آورد، این اعتراض هرچند مورد رضایت خداوند است و تکلیف آحاد جامعه است، ولی برای جامعه نیز آثار ناخوشایندی به دنبال دارد. به همین دلیل است که اقدامات پیشگیرانه به مراتب ضرر و زیان کمتری برای جامعه به دنبال دارد.

خلاصه و نتیجه

هزینه‌های جرم عبارت است از همه چیزهایی که برای تحقق جرم باید از آنها گذشت. تقسیم‌های گوناگونی برای هزینه بیان شده است که درباره جرم نیز صدق می‌کند؛ زیرا جرم نوعی کالا و فرآورده اجتماعی به حساب می‌آید. در یک تقسیم‌بندی، هزینه‌های جرم به هزینه‌های فردی و اجتماعی، هزینه‌های مالی و اقتصادی، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم، هزینه‌های ملی و بین‌المللی و هزینه‌های مادی و غیرمادی تقسیم شده است. در هر حال، بررسی هزینه‌های جرم، فواید و کاربردهای مهمی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سیاستگذاری و تعیین تدابیر مناسب مواجهه با جرم؛
۲. جذب مشارکت اجتماعی در مواجهه مؤثر با جرم؛
۳. راهی برای بازداشتن افراد از ارتکاب جرم.

درباره هزینه‌های جرم در ایران، نکته قابل توجه اینکه حتی هزینه‌های مستقیم جرایم نیز به‌طور شفاف محاسبه نمی‌شود؛ زیرا آمارهای موجود فقط تعداد و موارد جرایم کشف‌شده و محکومیت‌یافته را نشان می‌دهد، نه بزهکاری واقعی را. از دیدگاه اسلام، هزینه‌های جرم بسیار دقیق‌تر و گسترده‌تر است و فهم آن نیازمند درک نگرش دقیق اسلام به مسائلی مانند مقام و منزلت انسان، دنیا و آخرت و پیامدهای عمل انسان است. جرم از دیدگاه اسلام، عمل مغایر با تکالیف دینی است که شارع مقدس، مجازات‌هایی را برای آن وضع کرده است و یا امکان وضع مجازات را برای آن عمل در نظر گرفته، حاکم اسلامی را مأمور اجرای آن دانسته است. به همین دلیل است که جرم با گناه، همپوشانی کامل ندارد؛ زیرا برخی از گناهان اصلاً مجازات موضوعه‌ای ندارند، ولی اثر وضعی خود را بر جای می‌گذارند که درباره جرایم نیز این موضوع صادق است و اثرات وضعی مترتب بر گناهان دقیقاً بر جرایم نیز انطباق دارند؛ بنابراین ارتکاب جرم، شأن و منزلت انسان را متزلزل می‌سازد و وضعیت او را در دنیا و آخرت خدشه‌دار خواهد کرد.

انسانی که از دیدگاه خداوند، بهترین آفریدگان عالم است و همه آسمان‌ها و زمین مسخر او هستند و برای او حادث شده‌اند تا مسیر رشد و کمال را بیاماید و به خداوند

عالم تقرب جوید و خود را به آن منبع لایزال ربوبی نزدیک و نزدیک‌تر سازد و تا آنجا رسد که خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «عبدی اطعنی تکن مثلی، اقول للشیء کن فیکون و تقول للشیء کن فیکون»؛ حال این فرد با سرپیچی از دستورات پروردگار و ارتکاب جرم، از این مقام رفیع تنزل می‌جوید و خسارتی بس سنگین را متقبل می‌شود!! ولی آیا برآورد این خسارت، قابل تقویم است؟ این تخطی، هزینه‌ای جز سقوط از آدمیت به حیوانیت و واگذاری انسان به حال خود از جانب پروردگار و سخط او برای آدمی دربرنخواهد داشت که این همان خسارت عظیم و خسارت مبین است که انسان را از مقام ربوبی به ظلالت حیوانیت و بلکه پست‌تر از حیوانیت می‌کشانند که هرگز با عدد و رقم، قابل اندازه‌گیری نیست و انسان با همه وجودش باید هزینه آن راپردازد.

در جامعه کنونی برای خروج از این ورطه حیوانی، لازم است ابناء بشر به تدریج با عدم ارتکاب جرایم و ترک معصیت، مسیر صلاح در پیش گیرند که لازمه آن آگاهی انسان‌ها از ابعاد ضرر و زیانی است که با ارتکاب جرم به خویش وارد می‌کنند: «والعصر ان الانسان لفی خسر» (عصر: ۱-۲).

از جمله محورهای مهم در برنامه‌های فرهنگی، تبیین ابعاد و انواع هزینه‌هایی است که فرد برای ارتکاب جرم باید پردازد. این تبیین‌ها در واقع نوع نگرش فرد را به ارتکاب جرم عوض می‌کند و نوعی مراقبت و بازدارندگی درونی در وی پدید می‌آورد. باید باور کنیم که «هیچ‌چیز در ممانعت از جرم به اندازه پلیس درونی که به وسیله کل مجموعه اجتماعی فرهنگی پرورش یافته و هر فردی را احاطه کرده است، مؤثر نیست...» (گومز بواندیا، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمدبن علی؛ الخصال؛ ج ۱۰، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، ۱۳۸۴.
۴. شنایدر، ریچارد و تدکچین؛ برنامه‌ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم؛ ترجمه فرزانه سجودی؛ تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی (پژوهشکده امنیتی انتظامی)، ۱۳۸۷.
۵. پاک‌نهاد، امیر؛ سیاست جنایی ریسک‌مدار؛ تهران: میزان، ۱۳۸۸.
۶. حسینی، سیدحسین؛ «جهانی‌شدن حقوق و جرایم اقتصادی»؛ مجموعه مقالات همایش جهانی حقوق و چالش‌های آن؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵.
۷. حسینی، سیدمحمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ چ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۸. حسینی‌نژاد، سیدمرتضی و محمدرضا اقتصادیان؛ اقتصاد جرم و جنایت در ایران؛ تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۳.
۹. حسینی‌نژاد، سیدمرتضی؛ «بررسی علل اقتصادی جرم در ایران»؛ مجله برنامه و بودجه؛ ش ۹۵، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۴.
۱۰. دانش، تاج‌زمان؛ مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟؛ تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۷۶.
۱۱. صادقی، حسین، وحید شقاقی‌شهری و حسین اصغرپور؛ «تحلیل عوامل

- اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»؛ مجله تحقیقات اقتصادی؛ ش ۶۸، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، ۱۳۸۴.
۱۲. قدوسی، حامد؛ امپریالیسم علم اقتصاد؛ گری بکر و مدل‌های رفتار عقلانی در جامعه‌شناسی؛ تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۷.
۱۳. قرائتی، محسن؛ گناه‌شناسی؛ چ ۸، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ ج ۲؛ تهران: اسوه، ۱۳۸۶.
۱۵. گروهی از نویسندگان شورای اروپا؛ گزارش جرم‌زدایی اروپا؛ ترجمه واحد ترجمه مرکز اطلاعات توسعه قضایی قوه قضائیه؛ قم: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ ج ۷۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه؛ قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۱۸. مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی؛ فرهنگ اقتصادی؛ تهران: مؤسسه کتاب‌پیشرو و انتشارات نگاه، ۱۳۷۳.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۲۰. نظری، محسن؛ مبانی علم اقتصاد؛ چ ۱، تهران: نگاه دانش، ۱۳۸۶.
۲۱. ورنر، زهیرش؛ تحلیلی از حقوق جزا با رویکرد اقتصادی؛ ترجمه محمدزمان رستمی؛ ش ۳۶، قم: فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۲۲. گومز بواندیا، هرناندو؛ جرایم شهری (گرایش و روش مقابله با آنها)؛ ترجمه فاطمه گیوه‌چیان؛ چ ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.

23. Dubourg, Richard & Joe Hamed & Jamie Thorns; "The Economic and Social Costs of Crime against individuals and households 2003/4"; Home Office Online Report 30/05, Crown Copyright 2005.

24. Freeman, Richard B.; "**The Economics Of Crime**"; Handbook of Labor Economics, Vol. 3, Edited by: O. Ashenfelter and D. Card, Harward University and Nber center for Economic Performancy, LSE, 1999 Elsevier Science B. V. All rights reseved.
25. Levitt, Steven D.; "**Using Electoral Cycles in Police Hiring to Estimate the Effect of Police on Crime**"; The American Economic Review, Vol 87, Issue 3, June 1997.